پژوهش‌های تاریخی (علمی- پژوهشی)
دانشکده ادبیات و علوم‌انسانی- دانشگاه اصفهان
سال پنجاه و یکم، دورهٔ جدید، سال هفتم
شمارهٔ اول (پیاپی ۲۵)، بهار ۱۳۹٤ ص ٦۲-٤۹

بررسی استقرارهای دهستان رستاق بر اساس اسناد مکتوب و داده‌های باستان‌شناسی

محمد ابراهیم زارعی [*] **- سید فضل‌الله میردهقان اشکذری** [**]

چکیده

رستاق یکی دهستان‌های تشکیل‌دهنده بخش مرکزی شهرستان اشکذر است که مابین دو شهر اشکذر و میبد قرار گرفته است. بر اساس متون محلی، قدیم‌ترین استقرار شکل‌گرفته در این دهستان، مربوط به دوره اشکانیان است. همچنین، محوطه‌های باستانی نیز شناسایی شده‌اند که به این دوره قابل تاریخ‌گذاری هستند. در دوره ساسانی، علاوه‌بر اینکه متون به موجودیت برخی اسقرارها اشاره می‌کنند، شواهد باستان‌شناختی مرتبط به این دوره نیز به‌دست آمده است. منابع درباره دوران صدر اسلام رستاق سکوت کرده‌اند؛ اما با توجه به شواهد به‌دست‌آمده، محوطه ملک‌آباد به این دوره تاریخ‌گذاری می‌شود. دوره ایلخانی یکی از دوره‌های رونق این دهستان است، چون علاوه‌بر اینکه منابع به استقرارهای زیادی اشاره می‌کنند، محوطه‌های مختلفی نیز شناسایی شده‌اند که به این دوره قابل تاریخ‌گذاری بوده و تا دوره صفوی، که به علت سکوت منابع تاریخی یکی از دوارن تاریک دهستان رستاق به حساب می‌آید، مسکونی بوده‌اند. در دوره قاجار نیز تعداد استقراراها در منطقه گسترش یافته و روستاهای مختلفی شکل می‌گیرند. به همین دلیل، این دوره نیز یکی از دوران رونق دهستان رستاق به حساب می‌آید. در نتیجه، از دوره اشکانی تا دوره قاجار استقرارهای مختلفی در این دهستان شکل می‌گیرند که تعدادی از آنها متروک شده‌اند، برخی هنوز به‌صورت روستاهایی در این دهستان پراکنده شده‌اند و برخی در دوره معاصر، به شهرهای بزرگی تبدیل شده‌اند. در این مقاله سعی شده است با شیوه توصیفی – تحلیلی – تاریخی روند شکل‌گیری این دهستان و تغییرات به‌وجود آمده در آن براساس منابع مکتوب و داده‌های باستان‌شناسی تجزیه و تحلیل شود.

واژه‌های کلیدی

رستاق، داده‌های باستان‌شناسی، روستا، اشکذر، زارچ.

---

* دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، mezarei۱۹@gmail.com ،me-zarei@basu.ac.ir
** دانشجوی دکترای باستان‌شناسی گرایش دوره اسلامی دانشگاه بوعلی سینا، ashkezar۱۳٦۳@gmail.com

تاریخ وصول: ۹۳/۵/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹٤/۲/۲۳

مقدمه

دهستان رستاق یکی از دهستان‌های تشکیل دهنده شهرستان اشکذر است که در جهت شمال غربی شهر یزد و در مسیر جاده یزد ـ اردکان واقع شده است. این دهستان امروزه متشکل از هفده روستاست که مرکزیت آن با روستای صدرآباد است.

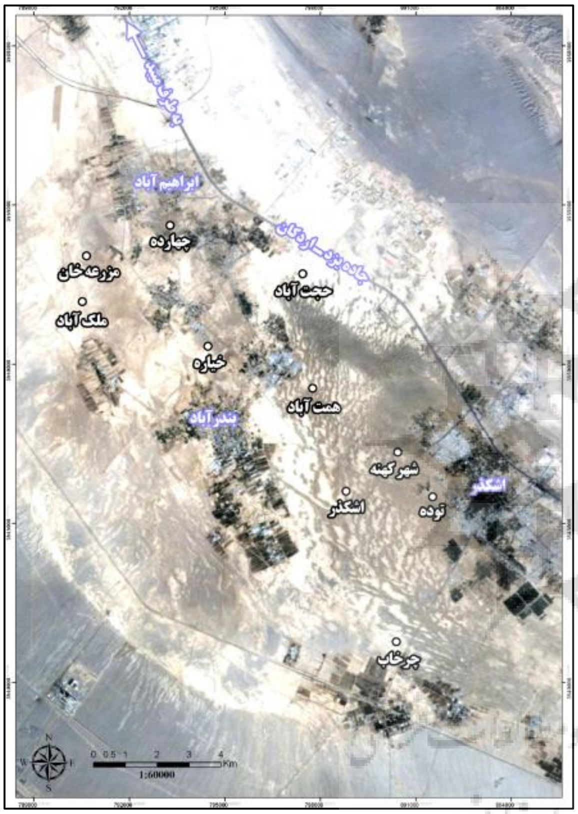
قدیمترین منبع در رابطه با این دهستان، وقفنامه جامع‌الخیرات است که در آن به وقفیاتی اشاره می‌شود که واقف در این دهستان داشته و ناحیه را با عنوان رستاق یاد می‌کند. علاوه بر جامع‌الخیرات می‌توان به وقفنامه ربع رشیدی نیز اشاره کرد که خواجه رشیدالدین فضل‌الله نیز در این ناحیه وقفیاتی برای ربع رشیدی مشخص کرده بود.

اما مهمترین منابع ما در رابطه با این ناحیه، کتب محلی یزد به همراه داده‌های به‌دست‌آمده از بررسی‌های باستان‌شناسی است که بر اساس آنها می‌توان سیر تحولات این ناحیه را به‌طور کامل بررسی کرد.

رستاق در گذشته ناحیه بسیار وسیع‌تری را شامل می‌شد که امروزه بخش‌های زیادی از آن در شهرها و یا شهرستان‌های دیگر استان ادغام شده‌اند. تعدادی از روستاهایی که در دوره ایلخانی در محدوده رستاق قرار داشتند، امروزه از رستاق جدا شده و تعدادی از آنها، خود تشکیل شهر داده و یا اینکه جزئی از محدوده سیاسی شهرستان دیگر هستند که این روند تا دوره معاصر ادامه داشته است.

۱.۱مهمترین سؤال مطرح‌شده در این مقاله این است *که آیا با اتکا به داده‌های باستان‌شناسی و اسناد مکتوب می‌توان تداوم سکونت از دوره اشکانی، که قدیمترین آثار شناسایی‌شده در منطقه به این دوره تاریخ‌گذاری شده‌اند، تا دوره قاجار را نشان داد؟*

همان‌طور که قبلاً نیز ذکر شد، در بررسی‌های باستان‌شناسی صورت‌گرفته، ۱۰ محوطه مربوط به دوره‌های مختلف تاریخی شناسایی گردید که قدیمترین آنها مربوط به دوره اشکانی و جدیدترین آن‌ها مربوط به دوره قاجار است؛ اگرچه از برخی از دوره‌ها نیز، مانند دوران صدر اسلام، آثار موثقی شناسایی نشد (تصویر ۱)؛ ولی تطبیق داده‌های باستان‌شناسی با اطلاعات جمع‌آوری‌شده از اسناد مکتوب، تداوم سکونت از دوره اشکانی تا دوران قاجار و معاصر را نشان می‌دهد و خلأهایی که داده‌های باستان‌شناسی قادر به پاسخ‌گویی به آنها نیستند، به‌وسیله اسناد مکتوب تکمیل می‌شود.



تصویر ۱: جانمایی محوطه‌های شناسایی شده
منبع: نگارنده

همچنین، متون محلی یزد شکل‌گیری برخی از روستاها در این ناحیه را به دوران قبل از اسلام نسبت می‌دهند؛ برای مثال شکل‌گیری شهر اشکذر امروزی را مربوط به دوره اشکانی دانسته که توسط فردی به نام اشک‌بن‌زال احداث شده است.

سؤال دیگر این است که آیا می‌توان آثاری به‌دست آورد که گفته‌های متون را در مورد شکل‌گیری استقرارها تأیید کند یا براساس برخی از افسانه‌های رایج در آن دوره به

پیشینه برخی از روستاها پرداخته‌اند؟
با بررسی‌های باستان‌شناسی که صورت گرفت، چند محوطه مربوط به دوره اشکانی شناسایی شد. تا قبل از این نیز برخی از محققان به تاریخ‌گذاری برخی از استقرارها به دوره‌ای خاص توسط متون محلی به دیده تردید می‌نگریستند که با شناسایی این داده‌ها گفته‌های متون محلی تأیید شد.

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله بر دو اصل استوار است: اصل اول روش کتابخانه‌ای بود که تمام اطلاعات موجود درباره ناحیه رستاق جمع‌آوری شد. در این روش بیشتر بر متون محلی یزد تأکید شد؛ زیرا این متون منابع اصلی شناخت این منطقه را تشکیل می‌دهند.
اصل دوم پژوهش‌ها و بررسی‌های میدانی است. طی این بررسی‌ها محوطه‌های مختلفی از دوران تاریخی و اسلامی شناسایی شد که داده‌های متنوع و فراوانی را فراهم می‌کرد. این داده‌ها کمک بسیار زیادی را به منظور تکمیل خلأهای موجود می‌کرد چراکه اطلاعات به‌دست‌آمده از متون محلی تنها بخشی از تاریخ این دوره را شامل می‌شوند که این امر نیز در برخی از موضوعات دارای نواقص بسیار زیادی هستند. درنتیجه، این داده‌ها اطلاعات بسیار خوبی را از دوران پیش از اسلام منطقه فراهم کرده، نواقص موجود در دوران اسلامی را نیز برطرف می‌کنند.

پیشینه تحقیقات

پیشینه تحقیقات در این مقاله را به دو دسته کلی می‌توان تقسیم‌بندی نمود که در ادامه به بررسی هرکدام از موارد پرداخته خواهد شد.

فعالیت‌های میدانی

اولین فعالیت‌های باستان‌شناسی که در منطقه رستاق صورت گرفت، بررسی‌های باستان‌شناسی بود که در سال ۱۳۸۷ توسط پایگاه میراث فرهنگی شهر تاریخی یزد انجام شد. طی این بررسی‌ها تعداد ده محوطه مربوط به دوره‌های مختلف تاریخی شناسایی گردید (میردهقان و میرجانی: ۱۳۸٦؛ میردهقان: ۱۳۸۷) (تصویر ۱). پس از آن نیز فعالیت‌های پراکنده دیگری انجام شد که مهمترین آنها، گمانه‌زنی به منظور تعیین



تصویر ۲: پراکندگی سفال‌ها بر سطح محوطه چرخاب
عکس: نگارنده، ۱۳۸۷

حریم محوطه تاریخی توده به سرپرستی آقای دینیار شهزادی بود که به مدت یک‌ماه صورت گرفت (شهزادی، ۱۳۸۹).

منابع مکتوب

یکی از مهمترین آثاری که درباره استان یزد به چاپ رسیده و در آن به معرفی برخی از آثار موجود در رستاق می‌پردازد، کتاب «یادگارهای یزد» اثر ماندگار دکتر ایرج افشار یزدی است. وی در این کتاب اطلاعات بسیار مفیدی در رابطه با نواحی تشکیل‌دهنده یزد و آثار موجود ارائه می‌دهد که متأسفانه امروزه برخی از آنها به‌طور کلی تخریب شده‌اند. این کتاب می‌تواند در بازسازی جغرافیای تاریخی رستاق و شناسایی برخی از روستاهایی که امروزه از منطقه منفک شده‌اند، بسیار مفید باشد (افشار ج۲: ۱۳۷٤). اما کتاب «شهرستان صدوق در یک نگاه» مهمترین اثری است که

به طور کامل به معرفی این شهرستان می‌پردازد. در این کتاب علاوه‌بر معرفی ویژگی‌های طبیعی و تاریخی و مفاخر فرهنگی شهرستان، روند تشکیل شهرستان صدوق را نیز، به استناد اسناد اداری موجود، بررسی کرده که از نقاط قوت آن به شمار می‌رود (زارع‌زاده، ۱۳۸٤).

اثر دیگری که در باب یکی از روستاهای منطقه، که امروزه یکی از شهرهای شهرستان یزد به شمار می‌آید، تألیف شده، کتاب «زارچ: شهری بر کرانه کویر» است. مؤلف، این شهر را از تمامی جوانب بررسی کرده که اگرچه در برخی از موارد به شواهد افسانه‌مانند استناد می‌کند؛ ولی یکی از منابع بسیار مهم در بازسازی جغرافیای تاریخی منطقه رستاق است (شمس‌الدینی، ۱۳۸۲) .

همچنین، یکی از زرتشتیان منطقه دو جلد کتاب را با عنوان «خاطرات اردشیر خاضع» و «تاریخچه اله‌آباد رستاق» تألیف کرده است که دارای اطلاعات بسیار خوبی درباره روستاهای زرتشتی‌نشین منطقه و همچنین، وضعیت زندگی آنان و نحوه ارتباطشان با مسلمانان است (خاضع، ۱۳۳۳ و ۱۳٦۳).

در مطالعات صورت گرفته هیچ‌گونه استنادی به داده‌های باستان‌شناسی نشده است؛ اما در این مقاله علاوه بر استفاده از منابع مورد نظر و کتب محلی یزد،



تصویر شماره ۳: یکی از سازه‌های موجود در محوطه اشکذر
عکس: نگارنده، ۱۳۸۷

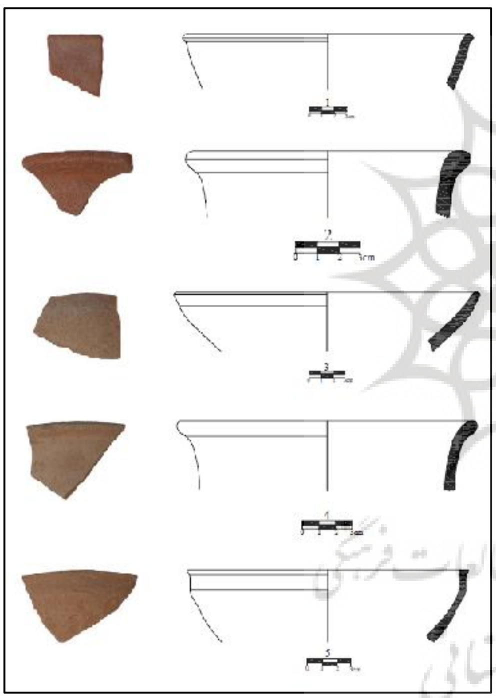
از داده‌های باستان‌شناسی نیز برای بررسی جغرافیای تاریخی منطقه استفاده شده است که در منابع دیگر مشاهده نمی‌شود.

۱.۲ روند شکل‌گیری و تغییرات به وجود آمده در رستاق

۱.۳ *به طور کلی، روند تاریخی شکل‌گیری و تغییرات به وجودآمده در ناحیه رستاق را می‌توان در دو دوره کلی بررسی کرد. این دوره‌ها عبارتند از: ۱- دوران تاریخی؛ ۲- دوران اسلامی.*

۱- دوران تاریخی

دوره اشکانی



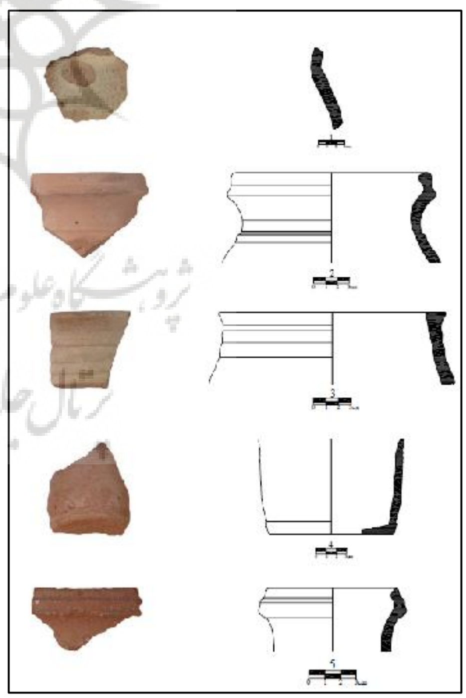
طرح شماره ۱: نمونه‌سفال‌های بدست‌آمده از محوطه چرخاب
(میردهقان، ۱۳۸۷: ۱۷۷)

با بررسی‌های صورت‌گرفته در منطقه رستاق ده محوطه شناسایی شد که سه محوطه اشکذر، چرخاب و حجت‌آباد مربوط به این دوره هستند. از آثاری که از سطح این محوطه‌ها پراکنده شده بودند، می‌توان به

بقایای سازه‌های معماری اشاره کرد که برای مثال، در محوطه اشکذر تعداد ۹۵ سازه به ثبت رسید که این امر خود نشان‌دهنده گستره بسیار وسیع آن است. از دو محوطه دیگر نیز سازه‌های مشابه شناسایی شد؛ اما از تراکم بسیار کمتری برخوردار بودند (تصاویر ۲ و۳). سفال‌های این سه محوطه نیز، با سفال‌های اشکانی مناطق شرق و شمال شرق ایران قابل مقایسه بودند که این امر نیز خود می‌تواند نشان‌دهنده وجود نوعی رابطه فرهنگی با این مناطق باشد (میردهقان، ۱۳۷۸). (طرح ۱). متون تاریخی نیز شکل‌گیری روستای اشکذر را به این دوره نسبت می‌دهند و دربن‌باره می‌نویسند:

«... و در زمان اشکانیان اشک‌بن‌زال که از ملوک‌الطوایف بود اشکذر را او بساخت» (کاتب، ۱۳٤٥: ٤١).

اما برخی از محققان نیز انتساب این روستا به دوره اشکانی را ناشی از شباهت اسمی می‌دانند که بین این دو واژه وجود دارد (مشکور، ۱۳۷۱: ٥٠٤)



طرح شماره ۲: نمونه‌سفال‌های بدست‌آمده از محوطه همت‌آباد

(میردهقان، ۱۳۸۷: ۱۹۵)

دوره ساسانی

از ده محوطه شناسایی‌شده، دو محوطه همت‌آباد و حجت‌آباد دارای آثاری هستند که می‌توان آنها را به این دوره تاریخ‌گذاری کرد. همچنین، محوطه همت‌آباد احتمالاً تا دوره صدر اسلام نیز مسکونی بوده است. سفال‌های پراکنده شده در این دو محوطه با محوطه‌های ساسانی مانند قلعه یزدگرد قابل مقایسه هستند (تصویر ٤ و طرح ۲) (میردهقان، ۱۳۸۷: ۲۱۵).

متون محلی یزد به احداث روستاهایی اشاره می‌کنند که در این دوره توسط امرا و پادشاهان انجام شده که از جمله آنها احداث روستای فیروزآباد در این ناحیه است که توسط شاه فیروز صورت گرفته است (کاتب، ۱۳٤٥: ٦٨). همچنین، یکی از پادشاهان دیگر این دوره به نام ایران‌دخت، فردی به نام ابرند را برای حکومت یزد انتخاب نموده، او را به یزد می‌فرستد (مستوفی بافقی ج۳، ۱۳٥۲: ۷۱۳). ابرند هنگام رسیدن به قدرت، روستایی را در دو فرسخی یزد و در ناحیه رستاق احداث نمود و آن را ایران‌آباد نام نهاد؛ ولی پس از گذشت زمان، این روستا به نام وی مشهور شد (همانجا) و امروزه به نام ابرندآباد است.

در این ناحیه، متون دو روستای دیگر را مربوط به دوره ساسانی می‌دانند. از جمله این روستاها، روستای بندرآباد است که بانی آن نیز فردی به نام بندار است که از جمله امرا و پادشاهان عجم بوده است (همان: ۷۱۹). علاوه بر آن، روستای اسفنجرد را نیز می‌توان مربوط به دوران تاریخی دانست که امروزه به طور کامل متروک شده است. در متون محلی به نحوه شکل‌گیری این روستا هیچ‌گونه اشاره‌ای نشده است؛ ولی مؤلف صورالأقالیم احداث این روستا را به شخصیتی به نام اسفندیار بن گرشاسب نسبت می‌دهد:

«وقتی اسفندیار پسر گرشاسب در دامن زاج‌کوه و کنار کاسه‌رود چند روز مقام ساخت و بنیان شهری فرمود و آن را اسفندیار نام کرد و این دهی مختصر است و اسفنجود می‌خوانند. ...» (صورالأقالیم، ۱۳٥۳: ٥٦).

منوچهر ستوده در تعلیقاتی که برای کتاب مذکور نوشته، معتقد است کلمه اسفنجود باید شکل اسفنجرد باشد که خود مخفف کلمه اسفندیارجرد است؛ یعنی شهری که اسفندیار ساخته است (صورالأقالیم، ۱۳۵۳: ۱۲٤). علاوه براین، زاج‌کوه یا زارج‌کوه نام کوه کوچکی در ناحیه رستاق است و به دلیل نزدیکی آن به روستای زارچ یا زارج به این نام شهرت یافته است.



تصویر شماره ٤: آثار معماری موجود در محوطه همت‌آباد و آثار حفاری قاچاق در آن

عکس: نگارنده، ۱۳۸۷

۲- دوران اسلامی

دوران صدر اسلام



تصویر شماره ٥: مسجد روستای ملک آباد رستاق

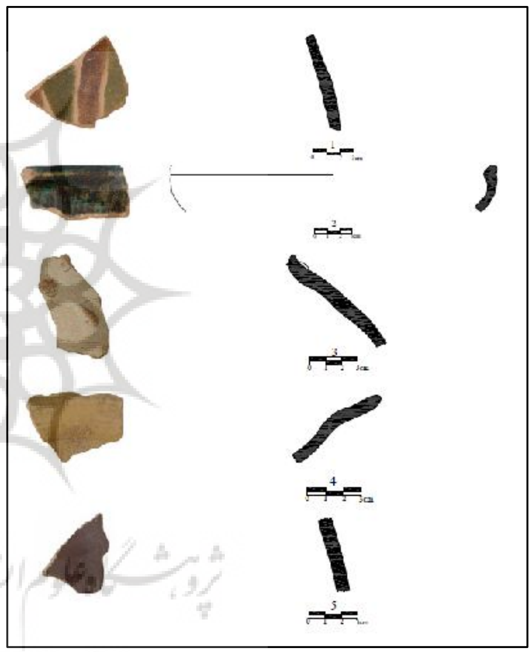
عکس: نگارنده، ۱۳۸۷

اگرچه از این دوران آثار متقنی به‌دست نیامد؛ ولی شاید بتوان گفت که استقرار در دو محوطه همت‌آباد و حجت‌آباد در این دوره نیز ادامه داشته است (میردهقان، ۱۳۸۷: ۲۱٥). همچنین، متون نیز درباره وضعیت رستاق در این دوران سکوت کرده‌اند. با این حال، با توجه به قراینی مانند تداوم سکونت برخی از روستاهای احداث‌شده در دوره ساسانی (مانند بندرآباد و فیروزآباد)، می‌توان به وجود سکونت در این ناحیه پی برد؛ ولی درباره جزییات آن هیچ‌گونه اظهار نظری نمی‌توان کرد.

دوران آل کاکویه و اتابکان

به‌دلیل سکوت منابع مکتوب، اطلاعات چندانی در رابطه با ناحیه رستاق موجود نیست؛ جز اینکه یکی از حاکمان آل‌کاکویه به نام علاءالدوله کالنجار پایابی را در مسجد جامع یزد بر سر قنات زارچ احداث کرد که نشان‌دهنده موجودیت روستای زارچ است، که یکی از روستاهای تشکیل‌دهنده رستاق بوده است (کاتب، ۱۳٤٥: ٦۲). همچنین، امیرفرامرز، که پس از علاءالدوله به حکومت رسید، دستور داد قنات جدیدی را در یزد

جاری کنند و به دنبال آن روستایی را، در حوالی ابرندآباد رستاق، ایجاد نمود که به گردفرامرز موسوم بوده (کاتب، ١٣٤٥: ٦٢) و اکنون به کفلامرز مشهور شده است. این احتمال نیز وجود دارد که روستای محمودآباد رستاق در این دوره و توسط امیر محمود وزیر احداث شده باشد (کاتب، ١٣٤٥: ٦٢). در دوره اتابکان نیز، عزالدین لنگر، که به اتابکی انتخاب شده بود، روستای عزآباد را در ناحیه رستاق احداث و برای آسایش ساکنان آن قلعه، مسجد، بازار و خانه‌هایی درست کرده و مردم ولایت (احتمالاً شهر یزد) را بدانجا منتقل کرد(کاتب، ١٣٤٥: ٦٨).



طرح شماره ۳: نمونه‌سفال‌های بدست‌آمده از محوطه ملک‌آباد

منبع: میردهقان، ۱۳۸۷: ۱۵۷

یکی از محوطه‌هایی که آثار آن به این دوران تاریخ‌گذاری می‌شود، محوطه مَلک‌آباد است. متأسفانه، به علت فرسایش بسیار زیاد، به جز بقایای مسجد که در سال‌های اخیر مرمت شده، آثار معماری دیگری در سطح محوطه باقی نمانده است (تصویر ۵). سفال‌های به‌دست‌آمده از این محوطه به چند دسته تقسیم می‌شوند که یکی از گونه‌هایی موجود در سطح محوطه سفال لعاب‌پاشیده است. براساس نمونه‌های به‌دست‌آمده، این روستا تا دوره ایلخانی مسکونی بوده و پس از آن به طور کلی متروک می‌شود (میردهقان، ۱۳۸۷: ۲۱٦)، اگرچه متون در این باره سکوت کرده‌اند (طرح ۳).

دوره آل‌مظفر

حکومت آل‌مظفر نقطه عطفی در تاریخ یزد است؛ زیرا برای نخستین بار این خطه، طی حیات دیرینه‌اش سلسله‌ای را در درون خود پروراند که بیش از نیم قرن حکومت بر نواحی جنوبی ایران را در دست داشت (میرحسینی، ۱۳۷۲: ۲۸۷).



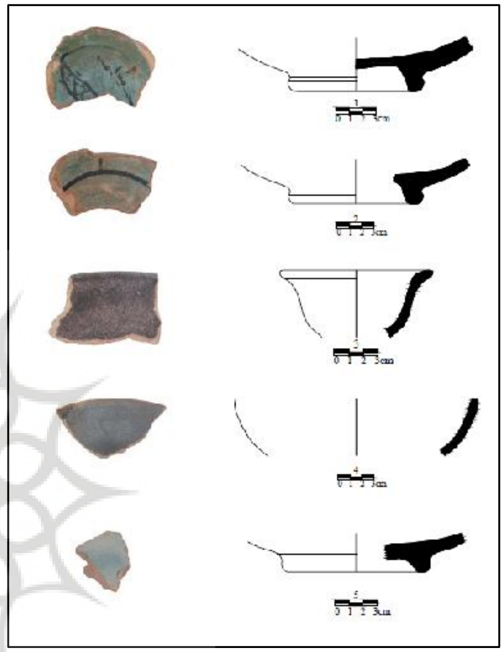
تصویر شماره ٦: خرابه‌های روستای چهارده رستاق

عکس: نگارنده، ۱۳۸۷

شرف‌الدین مظفر یکی از بزرگترین حاکمان آل‌مظفر بود که بر یزد و کرمان حکومت کرد. از جمله اقدامات وی در این ناحیه، جاری کردن قنات و احداث محله‌ای در روستای عزّآباد است که به دلیل نام بانی آن محله، شرف‌آباد نام گرفت (مستوفی بافقی ج۳، ۱۳۵۲: ۷۱۹). این محله، به مرور زمان گسترش یافته و خود روستای جداگانه‌ای را به نام روستای شرف‌آباد شکل داده است (همانجا). محله دیگری به نام جمال‌آباد توسط جمال‌الدین، که به مهترجمال مشهور بود، در این روستا

احداث شد که، همانند روستای شرف‌آباد، پس از مدتی خود به‌صورت روستایی مستقل درآمد (مستوفی بافقی ج۳، ۱۳۵۲: ۷۱۹).

پس از شرف‌الدین مظفر، امیرمبارزالدین نیز روستاهای محمدآباد، ترکان‌آباد و علی‌آباد را احداث کرد (همان: ۷۲۰) که ترکان‌آباد، امروزه، یکی از محلات روستای شرف‌آباد است که در اصطلاح مردم به آن ترکن‌آباد می‌گویند.



طرح شماره ٤: نمونه‌سفال‌های بدست‌آمده از محوطه چهارده
منبع: میردهقان، ۱۳۸۷: ۱٦۳

هرچند سلطه آل‌مظفر برای مردم ولایات دیگر خفقان‌آور بود؛ ولی برای مردم یزد قابل تحمل بوده و اوج شکوفایی و عظمت فرهنگی یزد نیز مربوط به همین زمان است. در هیچ جای ایران به اندازه یزد دارالعلم به وجود نیامد؛ به گونه‌ای که یزد به دارالعلم ملقب شد. در مدارس، مساجد، دارالسیاده‌ها و خانقاه‌ها علوم مختلف زمان تدریس می‌شد (میرحسینی، ۱۳۷۲: ۵۸). ویژگی دیگر دوران آل‌مظفر رونق تصوف در یزد است و در این دوره خانقاه‌های مختلف در یزد و نواحی اطراف آن مانند رستاق احداث گردید. در این دوره شیخ تقی‌الدین دادامحمد، که بانی فرقه داداییه در یزد بود، اقدام به احداث بناهای زیادی در شهر یزد و نواحی اطراف آن کرد (جعفری، ۱۳٤۳: ۱۳۷). از جمله بناهایی که وی ایجاد کرد، احداث چندین خانقاه در سرآب‌نو، بندرآباد، اشکذر، عزآباد، میبد، بیده، بارجین، عقدا و هفتادر اشاره کرد و برای همه این خانقاه‌ها وقفیاتی را در روستاها مشخص کرده بود(جعفری، ۱۳٤۳: ۱۳۷).

علاوه بر وی، سید رکن‌الدین قاضی نیز از جمله بزرگانی بود که در این دوره بناهای زیادی را احداث کرد. او خانقاه‌هایی را در ابرندآباد، مجومرد، اشکذر، هفتادر، میبد، نیستانه و چفته احداث کرد که در این بین خانقاه‌های ابرندآباد، مجومرد و اشکذر در ناحیه رستاق قرار داشتند (جعفری، ۱۳٤۳: ۱۰۹ و ۱۱۰).

خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی نیز در وقفنامه ربع رشیدی به روستاهایی اشاره می‌کند که امروزه به طور کلی متروک شده‌اند (همدانی: ۲۵۳٦). از جمله این روستاها می‌توان به روستای خیاره اشاره کرد. تنها وقفنامه‌ای که درباره این روستا صحبت می‌کند، وقفنامه ربع‌رشیدی است که خواجه‌رشیدالدین املاک زیادی را از این روستا بر ربع رشیدی وقف کرده است. همچنین، این روستا بیشترین وقفیات را بر ربع رشیدی نسبت به سایر روستاهای ناحیه رستاق داشته است (همدانی: ۲۵۳٦: ۵۱). تمام سطح محوطه را شن روان فرا گرفته و هیچ‌گونه آثار معماری نیز از این روستا باقی نمانده است. این امر نیز به‌علت تبدیل اراضی روستا به زمین کشاورزی است که تا امروزه نیز ادامه داشته و به نام صحرای خیاره شهرت دارد. درصد بسیار زیادی از سفال‌هایی که در سطح این روستا پراکنده شده‌اند، با تکنیک نقاشی زیر لعاب تزیین شده‌اند که دو دوره تاریخی را شامل می‌شوند. دسته اول سفال‌های معروف به قلمسیاه هستند که نمونه‌های مشابه آن در لایه‌های ایلخانی بافت تاریخی شهر یزد به‌دست آمده

است(کاظم‌نژند، ۱۳۸٤). بیوار نیز این نوع سفال‌ها را به دوره آل‌مظفر و اوایل تیموری تاریخ‌گذاری کرده است (Bivar, ۲۰۰۰: ۱۵۱). دسته دوم، سفال‌هایی با تکنیک نقاشی زیر لعاب هستند که نمونه‌های قابل مقایسه با آن از لایه‌های قاجاری بافت تاریخی شهر یزد به دست آمده‌اند (کاظم‌نژند، ۱۳۸٤: ٤۲۳).

روستای چهارده نیز روستای دیگری است که در قرن هشتم هـق / چهاردهم م متون محلی یزد از آن یاد کرده‌اند؛ ولی امروزه به‌طور کلی متروک شده است. در بررسی‌های صورت‌گرفته بقایای این روستا، در کنار روستای امروزی ابراهیم‌آباد شناسایی شد (تصویر ٦). داده‌های سفالی پراکنده‌شده در سطح این روستا را می‌توان از دوره ایلخانی تا دوره صفویه تاریخ‌گذاری کرد که شامل گروه‌هایی مانند سفال با تزیین نقاشی در زیر لعاب، سلادن و سفال‌هایی با لعاب تکرنگ است (میردهقان، ۱۳۸۷: ۱۷۳) (طرح ٤).

روستای اسفنجرد نیز از جمله دیگر روستاهایی است که وقفنامه‌های جامع‌الخیرات و ربع رشیدی از آن نام می‌برند. همان‌طور که قبلاً نیز ذکر شد، این روستا، به احتمال زیاد، در دوران قبل از اسلام بنا شده است. قدیم‌ترین نامی که از آن باقی‌مانده، مربوط به سال ۷۲۷ هـق / ۱۳۲۷ م است که مربوط به سنگ قبری منصوب در بقعه دوازده امام شهر یزد است. این سنگ دارای ۹۸ × ٦۰ سانتیمتر است و مربوط به فخرالدین اسفنجردی است. (افشار ج۲، ۱۳۷٤: ۳۱۵). بنا به نقل جامع مفیدی، این روستا در دوره صفویه بنا به دلایلی نامعلوم متروک شد (مستوفی بافقی ج۳، ۱۳۵۲: ۷۲۰). در بررسی‌ها نیز آثاری که مرتبط با این روستا باشند، به‌دست نیامد (میردهقان، ۱۳۸۷: ٤٤).

یکی از محوطه‌هایی که دارای آثاری از دوره ایلخانی است، محوطه توده است. این محوطه درواقع روستای اشکذر در این دوره بوده است که به احتمال زیاد تا دوره صفویه نیز مسکونی بوده است (تصویر ٦). در سطح محوطه حجم بسیار زیادی از سفال‌های نوع قلمسیاه پراکنده شده‌اند، که همان‌طور که قبلاً نیز ذکر شد، نمونه‌های مشابه آن در لایه‌های ایلخانی شهر یزد نیز به‌دست آمده‌اند (کاظم‌نژند، ۱۳۸٤: ٤۲۳). همچنین، آثاری از دوره صفویه نیز در سطح محوطه پراکنده شده‌اند که نشان‌دهنده سکونت در این محوطه تا دوره صفویه است (میردهقان، ۱۳۸۷: ۲۰) (طرح ٤).

متون محلی به روستای دیگری به نام شمسی اشاره می‌کنند. اگرچه در متون محلی درباره تاریخچه پیدایش این روستا هیچ‌گونه اشاره‌ای نشده؛ ولی همان‌طور که از وقفنامه برمی‌آید، در قرن هشتم هـق / چهاردهم م از آبادانی برخوردار بوده است (حسینی، ۱۳٤۱: ۱۹).

از جمله روستاهای دیگری که در این وقفنامه بدان اشاره می‌شود، روستای زارچ است. درباره اصل و بنای آن اطلاعات موثقی در دست نیست. در جامع مفیدی به استناد روایاتی که مردم ذکر می‌کردند، بنای آن را به زال زر نسبت می‌دهند (مستوفی بافقی ج۳، ۱۳۵۲: ۸۷۹)؛ ولی عده زیادی نیز بانی آن را رستم، پهلوان شاهنامه، می‌دانند(خاضع، بی‌تا: ۳٦). قدیمترین نامی که از این روستا باقی مانده، مربوط به وقفنامه جامع‌الخیرات است که در این وقفنامه قسمتی از سهام قنات زارچ توسط سیدرکن‌الدین بر رباط واقع در روستای ابرندآباد وقف شده است (حسینی، ۱۳٤۱: ۱۵٤).

دوره تیموری

از مشهورترین حاکمانی که در دوره تیموری در یزد حکومت کردند، امیر جلال‌الدین پسر چقماق شامی بود که در زمان فرمانروایی شاهرخ، پسر تیمور، یزد را به او واگذار کردند. او به همراه همسر خود بی‌بی فاطمه خاتون باعث و بانی آثار خیر زیادی در یزد شدند که از جمله آنها می‌توان به مجموعه امیر چقماق اشاره کرد که شامل آب‌انبار، بازار، مسجد و ... است (حسینی،

۱۳٤۱: ۹۷). آنها برای ابنیه‌ای که احداث کرده‌اند، وقفیاتی را مشخص نمودند که قسمتی از این وقفیات در ناحیه رستاق واقع شده بود (مستوفی بافقی، ج ۳، ۱۳۵۲: ۸۷۳). از جمله روستاهای این ناحیه که دارای وقفیات بوده اند، می‌توان به بندرآباد، شمسی و اشکذر اشاره کرد (همان: ۸۷۹).

دوره قاجار

متأسفانه، از ناحیه رستاق در دوره صفویه اطلاعاتی در دست نیست (در دوره صفویه کتاب جامع مفیدی تألیف شده که در این منبع اطلاعات بسیار کمی از منطقه رستاق وجود دارد و در این مقاله نیز از آنها استفاده شده است. کتاب جامع جعفری هم، که در دوره قاجار نوشته شده، به حوادث یزد پس از دوره صفویه پرداخته است. به همین دلیل، از این منطقه در این دوره اطلاعات بسیار کمی موجود است) و متون محلی یزد، که در این دوره تحریر شده‌اند نیز در این باره سکوت کرده‌اند. در نتیجه، به بررسی تحولات به‌وجود آمده در دوره قاجار پرداخته خواهد شد.

در دوره قاجار، حکوکت یزد در دست سلسله‌ای بود که در متون محلی از آنها به عنوان خوانین یاد شده است. حاکمان این سلسله و برخی از دست‌نشاندگان آنها اقدامات زیادی در ناحیه رستاق انجام دادند. یکی از اولین روستاهایی که در این دوره در ناحیه رستاق احداث می‌شود، روستای همت‌آباد است که در سال ۱۲۱٤ هـق / ۱۸۰۰ م توسط علینقی‌خان، حاکم یزد، به مجموعه رستاق اضافه می‌شود (آیتی، ۱۳۱۷: ۳۷٦). علاوه بر این، کاروانسرایی را نیز در نزدیکی این روستا تأسیس می‌کند که این کاروانسرا مورد استفاده مسافرانی بوده است که قصد عزیمت به یزد و یا کرمان را داشته‌اند (هدین، ۱۳۸۱: ٦۲۲). همچنین، طرب نایینی در جامع جعفری به ساختن آسیابی آبی در روستای اشکذر توسط وی اشاره می‌کند (طرب نایینی، ۱۳۵۳: ٤۹٤).



تصویر شماره ۷: خرابه‌های روستای مزرعه‌خان دهستان رستاق

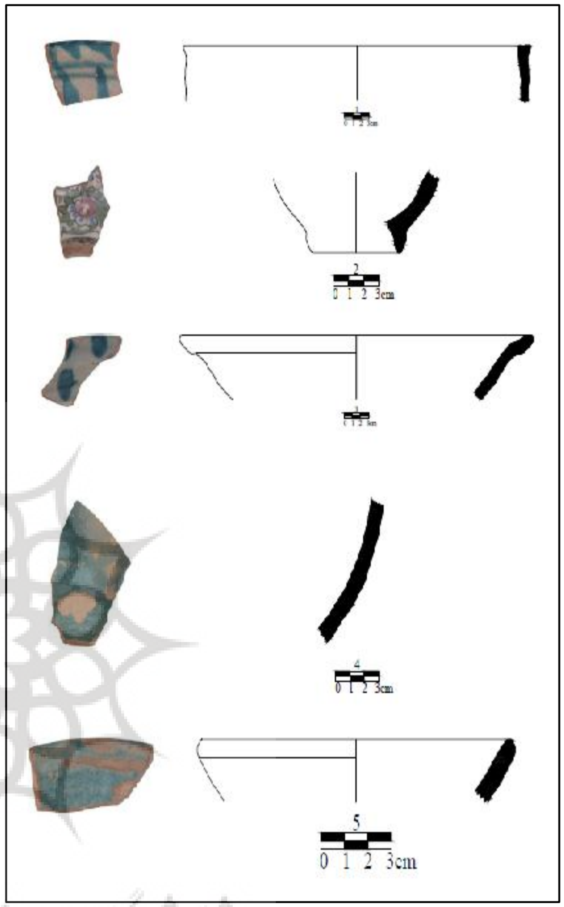
عکس: نگارنده، ۱۳۸۷

در سال ۱۲۱٦ هـق / ۱۸۰۲ م محمد حسن‌خان اقدام به احداث دو رشته قنات به نام حسن‌آباد و حسین‌آباد می‌کند که در مظهر این دو رشته قنات در بلوک رستاق، دو روستا به نام‌های حسن‌آباد و حسین‌آباد را احداث می‌کند. علاوه بر این روستاها، می‌توان به روستای کریم‌آباد اشاره کرد که این روستا نیز در مسیر این جاده قرار داشته است. متأسفانه، درباره این روستا اطلاعات دقیقی در دست نیست و فقط در سفرنامه منشی‌زاده به آن اشاره شده است (همانجا).

در زمان حکمرانی محمدولی‌میرزا، یکی از فرزندان محمدتقی‌خان به نام ابراهیم‌خان، روستای دیگری را در بلوک رستاق احداث می‌کند. در مظهر این قنات قلعه‌ای احداث نمود و خانه‌هایی را برای اسکان مردم در آن قلعه بنا کرد و به دلیل اینکه این روستا توسط محمد

ابراهیم خان احداث شده است، به ابراهیم‌آباد معروف گردید (همان: ۷۷۹).

در سال ۱۲۸۰ هـ‌ق / ۱۸٦٤ م و در زمان سلطنت ناصرالدین‌شاه، حکومت یزد به محمدخان والی واگذار



طرح شماره ۵: نمونه‌سفال‌های به‌دست‌آمده از محوطه مزرعه‌خان
منبع: میردهقان، ۱۳۸۷: ۱۷٤

می‌شود. او طی سال های حکمرانی خود بر یزد، بانی آثار زیادی در یزد می‌شود که از جمله این آثار، احداث قنات مهدی‌آباد و احداث روستای مهدی‌آباد است که در نزدیکی روستای صدرآباد واقع شده است (آیتی، ۱۳۱۷: ۳۹۲).

روستای اله‌آباد نیز در دوره قاجار تأسیس می‌گردد. این روستا نیز همانند روستای حسین‌آباد دارای جمعیتی زرتشتی بوده و به همین علت، در مجموعه روستاهای زرتشتی‌نشین رستاق قرار می‌گیرد(خاضع، ۱۳۳۳: ۵ و ٦). روستای زرتشتی دیگر، روستای عصرآباد بوده که در نزدیکی روستای حسین‌آباد است. این روستا امروزه به طور کلی متروک شده؛ ولی تاریخچه احداث آن مربوط به دوره قاجار است (میردهقان، ۱۳۸۷: ٥٤).

در اواخر این دوره نیز کشتخوان دزُک که در قرن هشتم هـ‌ق / چهاردهم م به عنوان یکی از کشتخوانات روستای بندرآباد بوده است (همدانی، ۲۵۳٦: ۷٤) تعمیر و مرمت شده و در کنار آن روستایی به نام روستای جلال‌آباد احداث می‌شود که امروزه نیز یکی از روستاهای تشکیل دهنده دهستان رستاق است (آیتی، ۱۳۱۷: پاورقی ۲٦٦).

از جمله روستاهای دیگری که در این دوره به مجموعه روستاهای ناحیه رستاق اضافه می‌شود، روستای مزرعه‌خان است که در شمال‌غربی روستای صدرآباد قرار دارد. این روستا امروزه به طور کامل متروک شده است (تصویر ۷). با توجه به آثار سفالی که در سطح این روستا پراکنده شده‌اند، سفال‌هایی هستند که در دوره قاجار رواج داشته و از این حیث، این سفال‌ها قابل مقایسه با سفال‌هایی هستند که در محوطه خیاره مشاهده شده بود. نمونه‌هایی از این سفال‌ها در گمانه‌زنی‌های بافت تاریخی شهر یزد در لایه‌های مربوط به دوران قاجار نیز به دست آمده‌اند (کاظم‌نژند، ۱۳۸٤: ٤۲۳) (طرح ۵).

در این دوره، سه روسای ابرندآباد، گردفرامرز و محمودآباد بنا به دلایلی از حوزه نفوذ رستاق جدا شده و خود بلوک جداگانه دیگری را به نام بلوک حومه تشکیل داده‌اند که روستاهای دیگری را نیز شامل می‌شد. این روند همچنان ادامه داشت تا اینکه در دوران معاصر سه روستای نصرت‌آباد، ابرندآباد و گردفرامز از لحاظ اداری، در حوزه نفوذ شهر یزد قرار گرفتند و در سال ۱۳۷۰ خود حوزه شهری شاهدیه را تشکیل دادند (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ج۱، ۱۳۸۱: ٦۹).

همچنین، روستای صدرآباد نیز به احتمال زیاد در این دوره احداث شده (آیتی، ۱۳۱۷: پاورقی ۲٦٦) که امروزه

مرکز دهستان رستاق است (زارع‌زاده، ۱۳۸٤: ۱۲۲).

نتیجه

همان‌طور که در بررسی جغرافیای تاریخی دهستان رستاق مشخص شد، براساس داده‌های باستان‌شناسی و اسناد مکتوب، اولین استقرارهای موجود در این دهستان مربوط به دوره اشکانی هستند. این استقرارها گستره بسیار وسیعی را دربرگرفته‌اند که نشان‌دهنده اهمیت این منطقه در آن دوره است؛ بخصوص آنکه یکی از راه‌های مهم کشور که شمال و جنوب را به هم متصل می‌کند، از این منطقه عبور می‌کند. در دوره ساسانی نیز، علاوه بر اینکه متون محلی به ایجاد استقرارهای جدید اشاره می‌کنند، داده‌های باستان‌شناسی نیز این امر را تأیید می‌کنند و به احتمال زیاد محوطه‌های ساسانی تا دوران صدر اسلام نیز موجودیت داشته‌اند.

در دوران اسلامی، بخصوص از قرن پنجم هـق / یازدهم م به بعد، اگرچه وسعت محوطه‌ها تا حدّ بسیار زیادی کاهش می‌یابند؛ اما تعداد استقرارها افزایش می‌یابد که این روند در دو دوره آل‌مظفر و قاجار شدت بسیار زیادی می‌گیرد؛ به‌طوری‌که تعداد استقرارها نسبت به دوره‌های قبل دو برابر می‌شود. این امر نیز به نوعی می‌تواند نشان‌دهنده افزایش امنیت و وضعیت خوب اقتصادی در منطقه باشد؛ به‌طوری‌که متون محلی به خوبی به این مسأله اشاره می‌کنند (مانند احداث خانقاه‌های جدید توسط برخی از بزرگان در منطقه). بعلاوه، حجم بسیار زیادی از داده‌ها را سفال‌های نوع قلمسیاه دوره آل‌مظفر تشکیل می‌دهند که از لحاظ نقش از تنوع بسیار زیادی برخوردارند که این امر نیز در جای خود قابل تأمل و مطالعه است. درنتیجه، با توجه به اشارات متون محلی و همچنین، داده‌های باستان‌شناسی به‌دست‌آمده، می‌توان به خوبی شاهد ایجاد استقرارها در دوره اشکانی بوده که با فراز و نشیب‌هایی، تا دوره قاجار و حتی معاصر نیز ادامه داشته است.

نکته دیگری که باید ذکر کرد، تأیید گفته‌های متون محلی توسط داده‌های باستان‌شناسی است؛ زیرا متون محلی شکل‌گیری برخی از استقرارها را مربوط به دوران قبل از اسلام می‌دانند که تا قبل از شناسایی داده‌های باستان‌شناسی مربوط به آن دوره، با دیده تردید به آن نگریسته می‌شد؛ اما با شناسایی این داده‌ها گفته‌های متون نیز تأیید شد؛ برای مثال، کاتب شکل‌گیری اشکذر را مربوط به دوره اشکانی می‌دانست که با شناسایی داده‌های مرتبط با این دوره، به نوعی این فرض تأیید شد. همچنین، تشابه نام اشکذر با اشکانی نیز قابل تأمل است.

منابع

۱.آیتی، عبدالحسین .(۱۳۱۷). *تاریخ یزد*، یزد: چاپخانه گلبهار.

۲.افشار، ایرج .(۱۳۷٤). *یادگارهای یزد*، ج۲، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

۳.پولاک، یاکوب ادوارد .(۱۳٦۸). *سفرنامه پولاک*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: انتشارات خوارزمی.

٤.تاورنیه، ژان باتیست .(۱۳٦۳). *سفرنامه تاورنیه*، مترجم: حمیدرضا شیروانی، تهران: انتشارات کتابخانه سینایی.

۵.جعفری، جعفربن محمد. (۱۳٤۳). *تاریخ یزد*، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

٦.حسینی یزدی، سید رکن‌الدین. (۱۳٤۱). *جامع‌الخیرات*، به کوشش محمد تقی دانش پژوه و ایرج افشار، تهران.

۷.خاضع، ارشیر.(۱۳۳۳). *تاریخچه اله‌آباد رستاق*، بمبئی.

٨- ــــــــــــــ . (١٣٦٣). *خاطرات اردشیر خاضع*، تصحیح رشید شهمردان، هندوستان: انتشارات خاضع.

٩.زارع‌زاده، علی‌اکبر. (١٣٨٤). *شهرستان صدوق در یک نگاه*، یزد: انتشارات هیرسا.

١٠. سازمان برنامه و بودجه.(١٣٥٩). *آمارنامه استان یزد سال ١٣٥٦*.

١١. سازمان جغرافیایی نیزوهای مسلح. (١٣٨١). *فرهنگ آبادی‌های استان یزد*، ج ١و٢، انتشارت سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

١٢. شمس‌الدینی، جعفر. (١٣٨٢). *زارچ شهری بر کرانه کویر*، تهران: انتشارات آسایش.

١٣. *صورالأقالیم*. (١٣٥٣). تصحیح منوچهر ستوده، انشارات بنیاد فرهنگ ایران.

١٤. طرب نائینی، محمد حسین محمد جعفر. (١٣٥٣). *جامع جعفری*، تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.

١٥. کاتب، احمد بن حسین بن علی. (١٣٤٥). *تاریخ جدید یزد*، به کوشش ایرج افشار، تهران: فرهنگ ایران زمین.

١٦. کاظم‌نژند، ابراهیم. (١٣٨٤). *گزارش فصل سوم پژوهش و گمانه‌زنی شهر تاریخی یزد*، آرشیو پایگاه میراث فرهنگی شهر تاریخی یزد.

١٧. مستوفی بافقی، محمد مفید .(١٣٥٢).*جامع مفیدی*، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات امیرکبیر.

١٨. مشکور، محمد جواد. (١٣٧١). *جغرافیای تاریخی ایران باستان*، انتشارات دنیای کتاب.

١٩. منشی‌زاده، محمدباقر.(١٣٧١). *سفرنامه منشی‌زاده*، مؤسسه انتشارات یزد، پاییز .

٢٠. میرحسینی، محمدحسین.(١٣٧٢). *یزد از ظهور تا سقوط آل‌مظفر*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته تاریخ، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.

٢١. میردهقان اشکذری، سید فضل‌اله. (١٣٨٧). *بررسی باستان‌شناختی منطقه اشکذر و دهستان رستاق، استان یزد*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران.

٢٢. هدین، سون. (١٣٨١). *کویرهای ایران*، ترجمه پرویز رجبی، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

٢٣. همدانی، خواجه رشیدالدین فضل‌الله. (١٣٨١). *وقفنامه ربع رشیدی*، به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار، تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ادبی.

٢٤. Bivar, A. D. H: , (٢٠٠٠): Excavation at Ghubayra Iran , school of oriental and African studies, university of London:

٢٥- Lane, Arthur, (١٩٧١): Later Islamic pottery, London, Faber and Faber